

# تصمیمات محاکم

## تصمیم دیوان عالی تمیز برابرام در مورد تشکیل محکمه جنائی از قضاة مختلف در جلسه علنی و غیر علنی

شده از دوا نفر عضو استیناف و سه نفر حکام محاکم بدایت که هیچکدام از اعتراضات مزبوره بحکم ممیز عنه وارد نیست چه آنکه بطوری که به و نده عمل حیاسکی است دخالت آن يك نفر در قضیه فقط این بوده که بدو در ذیل يك نامه اتمیه رسیدگی بقضیه را ارجاع بمستنطق کرده و بعد ها ابدأ دخالتی نداشته و مدعی عمومی قضیه که انجام وظیفه نموده کسی دیگر بوده است و از این لحاظ قاضی مزبور اساساً مردود نبوده تا مداخله او در جلسه غیر علنی تأثیری داشته باشد و غائب بودن عضو استیناف با اینکه بجای او عضو دیگر انتخاب شده و همین طور تشکیل محکمه در صورت غائب بودن يك نفر از اعضاء استیناف از حکام محاکم بدایت مانع قانونی ندارد و چون از ملاحظه حکم و سایر اوراق پرونده نیز اشکال مؤثری بنظر نرسید حکم مورد استدعای تمیز با اتفاق آراء برام میشود.

حکمی از محکمه جنائی پنج نفری دایر به تبرئه يك نفر با اتهام معاونت در قتل صادر شده مدعی العموم بعنوان قانونی نبودن تشکیل محکمه اعتراض تویزی کرده دیوان عالی تمیز شعبه (۵) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۸۱۶۱۰۰۹۸ مورخ ۱۶/۸/۱۳ چنین رای داده است:

( خلاصه اعتراضات مدعی عمومی استیناف که در ضمن سه قسمت بعمل آمده این است که چون يك نفر از قضات در قضیه بعنوان مدعی عمومی مداخله نموده بوده و از همین جهت در جلسه علنی امتناع از مشارکت در محاکمه کرده و کسی دیگر بجای او دعوت شده در جلسه مقدماتی قضیه دخالت داشته در اینصورت جلسه غیر علنی از چهار نفر تشکیل نده و قانونی نبوده و دیگر اینکه عضو استیناف در جلسه غیر علنی دخالت داشته در جلسه علنی غائب بوده و اینکه محکمه تشکیل

## تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد عدم توجه و مذاقه محکمه به مهر و سبیل سند

میدانند و پدر او هم تصدیق بوقفیت و تولیت کرده و نظر بانکه طبق نوشته مجتهد و بهر از آن بر اثر شکایت بوالی وقت ملک را از تصرف مدعی علیه انتزاع و بتصرف مدعی داده اند و بعد از دو سال مجدداً مدعی علیه متصرف شده مدعی علیه را بتخلیه بدو بتصرف دادن ملک بمدعی محکوم کرده است - محکوم علیه استیناف داده - محکمه استیناف پس از رسیدگی

کسی بدعوی وقفیت و تولیت در محکمه بدایت بر کسی باستناد اجاره نامه بهر پدر مدعی علیه و نوشته مجتهد وقت حاکی از وقفیت و تولیت مدعی اقامه دعوی کرده - محکمه بدایت برای رسیدگی باصالت ورقه از شهود و مطلعین تحققات کرده و قرار حالت صادر میکنند و بعنوان آنکه مدعی علیه بدخود را مقلقی از پدر خود

تمیز خواستن محکوم علیه حکم مزبور مورد رسیدگی تمیزی واقع شده و دیوان عالی تمیز شبهه (۱) پس از رسیدگی در حکم شماره ۴۳۰۲/۱۸۱۷ مورخ ۱۶/۸/۱۳۶۸ چنین رأی داده است:

( چون مطابق ماده ۱۷۴ قانون آزمایش محاکم مکلفند در فساد و مدلول اوراق و اسناد و محتویات آن مذاقه و رسیدگی کامل نمایند و در اینموضوع محکمه استیناف فقط سجل مرحوم شیخ محمد طاهر را در ورقه اجاره نامه از لحاظ اینکه مشر بر اقرار و حجر بر اجاره دادن رقبه نزد مسجل است و اینکه شرح مذکور در سجل دلالتی بر تصدیق مسجل بوقفیت مورد اجاره ندارد خالی از اثر دانسته در صورتیکه ورقه مزبوره مشتمل بر مهر مسجل در ذیل ورته نیز میباشد و با اینحال محکمه میبایست با توجه بمهر ذیل ورقه و رسیدگی بان دلالت یا عدم دلالت آن را در نظر گرفته و با ملاحظه شهادت شهود حکم مقتضی را صادر نماید بالجمله نظر بنقصان رسیدگی و تحقیقات حکم مزبور معلول و با اتفاق آراء منقوض است )

بمعنای آنکه مشروحه مجتهد وقت اصولاً موقعی قابل ترتیب اثر میشود که در نتیجه ترافع شرعی صادر میشود نه بنا بر خواهش مورث مدعی و بنا بر این نوشته مزبور تأثیر قانونی ندارد و سجل پدر مستألف هم در ورقه اجاره نامه چون تنها مشر بر اقرار مزجر است که رقبه را اجاره داده و نزد او اقرار به اجاره نموده بشرح مزبور در سجل اجاره نامه بهیچوجه دلالت بر تصدیق و اذعان مسجل بوقف بودن رقبه مزبور نمینماید و چون از طرف مدعی و قفنامه که دلالت بر وقف بودن رقبه مورد نزاع و تولیت او بنماید ابراز نگردیده و مدارک مزبور بر فرض صحت و شهادت چند نفر بر تولیت او چون وقف و تولیت بموجب قانون بشهادت ثابت نمیشود کافی برای اثبات وقفیت و تولیت نخواهد بود و نظر بانکه ملک مزبور فعلاً در تصرف مدعی علیه و سابقاً در تصرف پدر او بوده و تصرف طبق ماده ۳۵ دلیل مالکیت است و نظر به آنکه وقف خلاف اصل و محتاج بانبات است بنا بر این حکم ابتدائی فسخ و مدعی را محکوم به بیحقی کرده است - بر اثر

### تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

#### در مورد عرض حال اعتراض بر حکم غیابی بعنوان خروج از موعد

مؤخر در محل جدید برؤیت محکوم علیه می رساند که از حکم مزبور استیناف میخواهد - محکمه استیناف با استناد ماده ۲۷ مکرر قانون آزمایش و اینکه محکوم علیه محل اقامت خود را تعیین کرده بوده و تغییر آنرا اطلاع نداده رونوشت حکم را بمحل اقامت سابق او ابلاغ قانونی دانسته و عرض حال را که باعتبار ابلاغ بشخص محکوم علیه تقدیم شده بوده خارج از مدت قانونی تشخیص و رد کرده است - محکوم علیه از قرار مزبور تمیز خواسته - شبهه (۱) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۳۶۸۹/۱۷۷۶ مورخ ۱۶/۸/۱۳۶۸ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

نظر باینکه طبق ماده (۲۵۴) قانون آزمایش مدت

طبق ماده ۲۵۴ قانون آزمایش - مدت اعتراض بر حکم غیابی از تاریخ ابلاغ واقعی رو نوشت حکم غیابی بمدعی علیه غائب حساب میشود ...  
طبق ماده ۲۷ مکرر قانون آزمایش - ... تاریخی که اصحاب دعوی تغییر محل اقامت خودشان را بمحکمه اطلاع نداده اند نمیتوانند بهرم اطلاع از مفاد نوشتهجاتیکه بمحل اقامت سابق آنان فرستاده شده متعذر شوند ...  
کسی در محکمه بدایت غیاباً محکوم به پرداخت مبلغی بابت بده مدعی میشود - حکم مزبور را مأمور عدلیه بمحل اقامت محکوم علیه برده و مینویسد از قرار تحقیقات این شخص بسا خانواده اش در محل دیگر رفته اند پس از آن حکم مزبور را در تاریخ

و لذا مأمور بانجا برده و ابلاغ نموده است و این ابلاغ واقعی در تاریخ ۱۵ شهریور بعمل آمده بنا بر این قرار رد اعتراض بان اعتراض بیمورد بوده و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش با اتفاق نقض میگردد (۱۰۰)

اعتراض بر حکم عیانی از تاریخ ابلاغ واقعی بمحکوم - علیه غائب محسوب میشود و چون بر حسب تصدیق مأمور ابلاغ در تاریخ ۳۱ مرداد که رونوشت حکم را بمحل اقامت سابق مشار الیه برده اند محکوم علیه در محل دیگر بوده

### تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

در مورد دیکه ورقه مورد دعوی جهل بواسطه انکار متضرر اساسا از سندیت افتاده و فرض امکان سرع استفاده (در صورت فوت متضرر و عدم کشف آن) جرم جهل را محقق نمیسازد

ورقه به تفصیلی که تنظیم شده معمول و مزور بوده و از اثر افتادن آن بانکار موصی آن ورقه منافی با صدق عنوان جهل نیست زیرا اگر مطلع نمیشد و فوت میکرد همان ورقه مستند متهم در تصرف اموال او میگردید - نظر باینکه این اعتراضات راجع به قضیه فرضیه ایست که در حکم ذکر شده و اساس حکم عدم ثبوت تقلب است در نظر محکمه که اظهار موصی را مبنی بر اینکه ورقه را نخوانده امضاء کرده و بخضال استشهاد آورده مستبعد شمرده است و با اینحال بحث در این که اگر عمل بهمان کیفیت که موصی ادعاء میکرده ثابت میشد حکمش چه بود در اینجا بحث وائیدی است چنانکه در حکم استینافی هم با عدم ثبوت اصل عمل ذکر آن فرض و بیان احکام آن لازم نبوده بنا بر این اعتراض مدعی العموم وارد نیست از سایر جهات هم اشکال مؤثری از محقوبات پرونده بنظر نرسید و حکم ممیز عنه با اتفاق آراء ابرام میشود -

کسی بانتهام جهل وصیت نامه مورد تعقیب واقع شده و در محکمه جنائی دفاع کرده که ورقه مورد اتهام بامضای موصی است و موصی با تصدیق بامضاء منکر اصل وصیت شده بعنوان آنکه ورقه را بعنوان استشهاد بامضای او رسانیده اند - محکمه جنائی با تردید در ثبوت اصل عمل باحفاظ تصدیق موصی (ادعائی) باینکه امضای ذیل ورقه وصیت نامه متعلق بخود او بوده و اینکه وصیت از عقود است که شخص میتواند از آن عدول کند و موصی با انکار خود سندیتی برای آن ورقه باقی نگذاشته عمل را مشمول عنوان جهل ندانسته و متهم را تبرئه کرده است -

مدعی العموم استیناف تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۶۶۱ ر ۹۲۰۸ مورخ ۱۶۷۲۱ چنین رأی داده است :  
(اعتراض مدعی العموم استیناف دادر به اینست که